

# مبارزه با داعش؛ نیازمند قطع حمایت مردمی و بیرونی

علی قادری

سرمقاله

## دست های شیطانی

حفیظ الله زکی

مردم افغانستان همیشه ناامنی را نخستین چالش در برابر حکومت و امنیت را اصل اولی برای تثبیت نظام سیاسی و بستر مهم برای توسعه همه جانبه کشور می دانستند؛ اما امروز وقتی از ناامنی صحبت می شود ابعادی به مراتب خطرناکتر و وسیعتری را شامل می شود.

در چهارده سال گذشته طالبان و سایر مخالفان مسلح با همکاری گروه های تروریستی در منطقه در برابر حکومت می جنگیدند. نیروهای امنیتی را می کشتند، مصلحان را سر می بریدند، دختران را از رفتن به مکاتب باز می داشتند، در مسیر راهها ماین گذاری می کردند و سبب قربانی هزاران کودک، زن و مرد بیگانه می شدند. کارمندان دولت و مؤسسات داخلی و خارجی را بیرحمانه به قتل می رساندند، انتحار می کردند و از مردمان ملکی سپهر دفاعی می ساختند و دهها جنایت دیگر انجام می دادند. تا حکومت را تضعیف کرده و سلطه ظالمانه خود را بر قلمرو افغانستان تثبیت نمایند.

در چهارده سال با آن که یک استراتژی مشخصی از سوی حکومت و جامعه جهانی در برخورد با مخالفان مسلح وجود نداشت؛ اما حمایت بی دریغ مردم افغانستان از حکومت و نیروهای امنیتی، بسیاری از تلاش ها و طرح های مخالفان را خنثا کرد. از همین رو در چهارده سال گذشته با آن که فاصله مردم از حکومت روز به روز بیشتر می شد، ولی در زمینه مبارزه با تروریسم، نه تنها کمی و کاستی به وجود نیامد که هر روز این حمایت ها عمیق تر، سازمان یافته تر و آگاهانه تر گردید.

حضور داعش در افغانستان با توجه به کارنامه این گروه در عراق و سوریه این رنگ خطر را در افغانستان به صدا در آورد که ممکن است این گروه از همان رویکرد خشن ایدئولوژیکی و فرقه گرایانه برای نفوذ در جامعه افغانستان نیز سود ببرد. اگرچه گروه داعش تا هنوز حملات خود را به صورت گسترده در افغانستان آغاز نکرده است؛ اما جریان گروگانگیری ۳۱ نفر مسافر هواپیمای که فقط و فقط به خاطر هزاره بود، به گروگان گرفته شده بودند و ادامه این سرریال شرم آور در ولسوالی گیلان ولایت غزنی و ربوده شدن یک خانواده به شمول مرد، زن و کودک و ربوده شدن مسافران در مسیر قره باغ، نشان می دهد که امسال دشمن با تاکتیک جدیدتر و خطرناکتر وارد کارزار شده است. رویداد نم انگیز و درد آور جلریز و دایچوپان که به صورت مشخص افراد مربوط به یک قوم را هدف قرار داده اند، این موضوع را تأیید می کند.

تجزیه و تحلیل رویدادها و رویکردهای مخالفان از آغاز حملات بهاری تاکنون، شاید شک و تردیدی باقی نگذاشته باشد که دشمن اینبار می خواهد از درون، نظام سیاسی کشور را دچار فرسایش کرده و پایه های آن را متزلزل سازد. خشونت سازمان یافته و برنامه ریزی شده علیه هزاره ها از یک طرف ممکن است، آنها را وارد یک جنگ تحمیلی و ناخواسته کرده و به این صورت یکی از مدنی ترین و آرام ترین کتله های اجتماعی افغانستان را از رؤیای عدالت، برابری و آزادی بیرون کرده و حرکت های مدنی، دموکراتیک و ترقی خواهانه آنها را در فوغای جنگ و خشونت تحت الشعاع قرار دهند و از طرف دیگر این خشونت ها سبب فشارهای بیشتر بر حکومت و طرح خواسته های مشخص آنها از دولت می گردد.

وقتی حکومت نتواند به این خواسته ها پاسخ دهد، زمینه نارضایتی آنها را از حکومت فراهم می سازد. این نارضایتی میزان حمایت و مشارکت این مردم را در حکومت پایین آورده و بی اعتمادی آنها را نسبت به حکومت افزایش می دهد. براینده این وضعیت فرسایش تدریجی دیوار نظام سیاسی در افغانستان خواهد بود.

بنابراین وضعیت کنونی نیازمند صبر و تحمل بیشتر و حرکت های آگاهانه تر از سوی حکومت و تمام مردم افغانستان می باشد. مردم افغانستان باید درک کنند که این دسیسه شیطانی تنها مربوط یک قوم نبوده؛ بلکه هدف نهایی آن نابودی کل افغانستان و به خواری و ذلت کشانیدن تمام مردم آن می باشد؛ پس همه باید متحدانه در برابر این گونه جنایت ها موضع بگیریم و از هویت جمعی و ملی خود دفاع نماییم.

گروه موسوم به دولت اسلامی داعش از زمانی که در خاورمیانه ابراز وجود نموده است، رشد قابل ملاحظه نموده است. برخی از شهر های عراق را تصرف کردند، منطقه مرزی میان عراق و سوریه را نیز از دست نظامیان سوری گرفتند. منازعه طولانی با کرد ها کردند. در مدت زمان کوتاه از گوشه گوشه مناطق جهان و از کشورهای مختلف سرباز جذب کردند. با گرفتن چاه های نفت در عراق طولانی شدن حیات سازمان خود را تضعیف کردند. با فروش نفت از بازار سیاه ترکیه به مبالغ هنگفت دست یافتند و با این پول توانستند در افغانستان، پاکستان، آسیای میانه نیرو گیری نمایند. تا هنوز کمتر سازمانی دیده شده است که در این فرصت اندک در مناطق و قلمرو وسیع گسترش یابد. با این گسترش قلمرو می توان گفت که نسبت به دیگر گروه های دهشت انگن تفاوت های فاحش دارد. در افغانستان اما، این گروه در روز های نخست اعلان موجودیت اش کمتر جدی گرفته شد. تنها در عملیاتی در ولایت هلمند رهبر این گروه را به قتل رساندند. بعد از آن اما، کمتر اقدام جدی از سوی حکومت و نیرو های بین المللی در مورد این گروه صورت گرفت. در روز های اخیر اما، اقدامات حکومت و نیرو های بین المللی در باره این گروه بیشتر شده است. در تازه ترین مورد حافظ سعید رهبر این گروه در ولایت خراسان کشته شدند. قبل از آن شاهد الله شاهد یکی از اعضای بلند پایه این گروه توسط حملات هواپیمای بدون سرنشین نیرو های بین المللی کشته شدند. جدی گرفته شدن این گروه می رساند که حکومت تهدید این گروه برای ثبات، حکومت مرکزی، مردم افغانستان را درک نموده است و بر مبنای همین مسئله، اقدامات جدی برای از بین بردن رهبران این گروه در افغانستان انجام می دهد. در ذیل تلاش می شود چند نکته را برای نابودی این گروه در افغانستان مطرح کرد.

حکومت افغانستان تا هنوز تنها، رهبران این گروه را مورد حمله قرار داده اند. بر اساس تئوری تصمیم گیری و نخبگان این کار حکومت به معنی از بین بردن مرکز تصمیم گیری این گروه است. زیرا، در

سازمان ها تصمیم هم مهم و استراتژیک از سوی نخبگان آن گروه گرفته می شود. توده تنها نیروی اجرایی است. کشتن نخبگان یک گروه به معنی نابود کردن نقطه حساس و حیاتی هس و رفتار ها و کنش های گروه به آن اقدامات، رفتار ها و کنش های گروه می شود. در صورتی جایگاهی زود انجام می شود. کشتن رهبر یک گروه ممکن ضربه ای سنگین محسوب شود ولی بدون شک، در وقت کم رهبر جایگزین انتخاب می شود و دوباره به سازماندهی می پردازد. بنابراین، با وجود اهمیت اقدامات امنیت ملی کشور و نیرو های بین المللی اما، اقدامات بنیادی تر نیز می توان انجام داد تا گروه را فلج کرد.

گروه های تروریستی به خاطر کمک ها و حمایت های مردمی و یا خارجی عمر خود را طولانی و عملکرد های خود را بهبود می بخشد. بدون حمایت های مردمی امکان جایگزین شدن آن ها یک گروه تروریستی در یک منطقه ممکن و عملی نیست. بدون حمایت های خارجی اما، امکان تأمین نیازمندی ها شنی نیست. از این جهت، مهمترین مسئله برای از بین بردن یک گروه قطع حمایت های مردمی و خارجی شان است. گروه داعش تا هنوز توانسته است در سراسر افغانستان جاز کند و نیرو گیری نماید. تنها در ولایت شرقی و جنوب شرقی کشور توانسته است نیرو گیری و سازماندهی نماید.

این مسئله می رساند که این گروه از سوی مردم محل مورد حمایت قرار می گیرد. بدون همکاری مردم محل امکان هیچگونه فعالیت ممکن نیست. ممکن با تهدید و زور مردم را وادار به حمایت نماید اما حمایت مبتنی بر زور و تهدید وادار نیست. دیر با زود هم مردم دست از حمایت می کشد و هم سربازان در صفوف چنین گروه ها. آغاز به کار این گروه در برخی از ولایت های افغانستان می رساند که مردم محل و آن ولایت تا اندازه زیاد نسبت به این گروه وفادار است.

حکومت افغانستان تا هنوز تنها، رهبران این گروه را مورد حمله قرار داده اند. بر اساس تئوری تصمیم گیری و نخبگان این کار حکومت به معنی از بین بردن مرکز تصمیم گیری این گروه است. زیرا، در

تعیین سرنوشت و یا به روش های جذب در جامعه، کنترل هژمونیک، تکثرگرایی برابر طلب، تقسیم قدرت و دموکراسی اجتماعی، تکثرگرایی فرهنگی و یا به صورت اعلای خودمختاری یا فدرالیسم اشاره کرد. این شیوه ها که عمدتاً در پی حذف ناسیونالیسم قومی است، می تواند عوامل مؤثر در تبیین ناسیونالیسم را از جنبه های «اقتصاد، فرهنگ و سیاست» تبیین کند. وقتی مردم به درگیری از محرومیت نسبی اقتصادی می رسند که نسبت به دیگران در وضعیت نامناسبی قرار دارند، این امر موجب رشد ناسیونالیسم می شود.

احساس هویت اجتماعی، زبان، تربیت، مذهب، هنر و علوم از ویژگی های فرهنگ ملی است و موجب گسترش ناسیونالیسم می گردد. در شرایط ناگهانی جهان مدرن، مردم به نزدیک ترین فرهنگ اجتماعی و قومی در روپارویی با محرومیت در سیاست و منافع اقتصادی روی می آورند. این امر بازگشت به شیوه ی قدیمی نیست، بلکه شیوه ی بسیار مدرنی برای حفاظت از منافع گروهی و شخصی است. در سیاست، انتظارات و توانایی های مردم تغییر می یابند و ناسیونالیسم نتیجه ی این میزان تغییر است.

بیشتر کشورها برای کاهش منازعات قومی ناشی از تفاوت های اقتصادی بین گروه ها، سیاست های ترجیحی یا اقدام مثبت اتخاذ کرده اند. این سیاست ها به نفع گروه های محروم اتخاذ می شود و در واقع برای جبران محرومیت ها و تبعیض های منفی است که در گذشته گروه های قومی با آن روبرو بوده اند. اختصاص سهمیه هایی در دانشگاه، استفاده از مترجم و وکیل در دادگاه، اختصاص وجاهد، تسهیلات و وام بانکی، سهمیه در زمین و غیره. ذکر این نکته ضروری است که با وجود مثبت بودن شیوه های ترجیحی در برخورداری اقلیت های قومی از مزایای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و کاهش تبعیض و تنش ها، در عین حال این امر می تواند به رشد آگاهی های طبقه ای و در نتیجه تنبیه نمودن خواست ها و نظم بخشی جامع و اساسی به مسئله ی قومیت گرای بیانجامد. سیاست های ترجیحی در درآمدت نمی تواند مسئله را به طور ریشه ای حل کند، بلکه به خواست ها و تقاضاهای بیشتری در آینده دامن خواهد زد. بنابراین طبق سؤال تحقیق، باید گفت که سیاست های تکثرگرایانه ی برابرطلب،



های دیپلماتیک میان این گروه و کشور کمک کننده شکاف ایجاد نماید. تا زمانی که مجرای تمویل این گروه ها شناسایی و قطع نشود امکان از بین بردن و تضعیف این گروه سخت و هزینه بردار است. گروه داعش در افغانستان ممکن با مرکز خلافت این گروه یعنی ابوبکر البخاندی رابطه داشته باشد و از طریق دفتر مرکزی این گروه حمایت شود. با این وجود می توان مجرای ارتباطی و چگونگی حمل و نقل اسلحه و ... آن ها شناسایی کرد و منجمد کرد. سومین مسئله دست یابی این گروه به منابع ثروت و قدرت در داخل کشور است. همان طور که گروه داعش در عراق به دست یافتن به چاه های نفت آن کشور توانست قلمرو خود را گسترش دهد و صرف جنگی خود را تجهیز تر نماید، گروه در افغانستان نیز با دست یافتن به مواد مخدر می تواند، دگرگونی در چگونگی فعالیت خود به وجود آورد و به صورت قدرتمندتر عمل نماید.

# هویت های قومی، انسجام اجتماعی، امنیت ملی

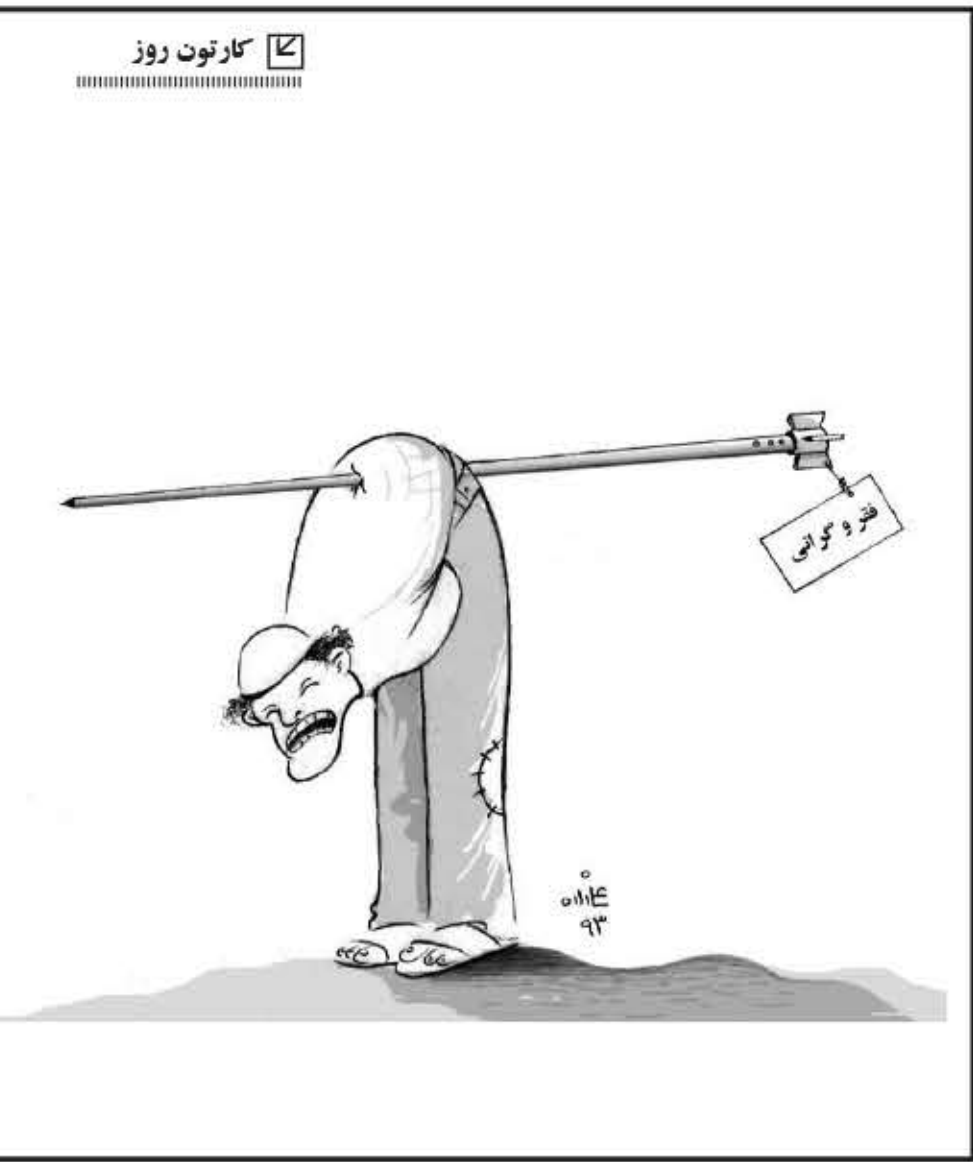
بهراد رضوی ال هاشم / قسمت سوم و پایانی

دینی، فرهنگی و اجتماعی نهادهای فرهنگی. ۷- مشارکت اقلیت ها در بخش های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، توازن میان اقوام و قومیت ها و تعدیل گروه گرای آنان. ۸- خارج کردن انحصار دسترسی به



با بهره گیری از نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل قومیت و هویت قومی، برخی از راهکارهای بهره گیری از پتانسیل قومیت ها برای تقویت انسجام اجتماعی، مدارا و تساهل و تسامح، جامعیت گفتگو و مذاکره و مصالحه، به عنوان کلیدهای برای ایجاد توافق دیرپا برای حل منازعات ضریب امنیت ملی می شود. به این منظور لازم است ارزش های اساسی دموکراتیک مانند دوری از تمرکز و پرهیز از انحصار، مدارا و تساهل و تسامح، جامعیت گفتگو و مذاکره و مصالحه، به عنوان کلیدهای برای ایجاد توافق دیرپا برای حل منازعات ضریب امنیت ملی می شود. به این منظور لازم است ارزش های اساسی دموکراتیک مانند دوری از تمرکز و پرهیز از انحصار، مدارا و تساهل و تسامح، جامعیت گفتگو و مذاکره و مصالحه، به عنوان کلیدهای برای ایجاد توافق دیرپا برای حل منازعات ضریب امنیت ملی می شود. به این منظور لازم است ارزش های اساسی دموکراتیک مانند دوری از تمرکز و پرهیز از انحصار، مدارا و تساهل و تسامح، جامعیت گفتگو و مذاکره و مصالحه، به عنوان کلیدهای برای ایجاد توافق دیرپا برای حل منازعات ضریب امنیت ملی می شود.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com



صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کارکاتوریست: خالق علی زاده  
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهارم، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan  
Outlook AFGHANISTAN  
The Leading Independent Source